

نقش پلیس بر نظریه اسلامی - ایرانی امنیت

یوسف ترابی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۹/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: این تحقیق در صدد بررسی و پویش علمی در خصوص نقش و کارویژه‌های نیروی انتظامی و پلیس در تولید نظریه اسلامی - ایرانی امنیت است. امنیت امروزه مبتنی بر رویکردهای مختلف که برگرفته شده از مکاتب گوناگون فلسفی^۲ فکری می‌باشد دارای خاستگاه‌های مختلف بر اساس نظام‌های معنایی و معرفت‌شناختی است. چشم‌انداز تولید نظریه اسلامی^۳ ایرانی امنیت یکی از موضوع‌های مهم در جمهوری اسلامی ایران است. در این زمینه پلیس و نیروی انتظامی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند.

روش: این تحقیق از نظر نوع بنیادین و روش آن توصیفی است. در این تحقیق با استفاده از روش اسنادی به بررسی نقش پلیس و نخبگان نیروی انتظامی و متفکران امنیت پژوه ایرانی در فرایند تولید نظریه اسلامی^۴ ایرانی امنیت می‌پردازد.

یافته‌ها و نتایج: نتایج بررسی نشان می‌دهد که تاریخ تابناک ادبیات و آموزه‌های توحیدی برگرفته از مکتب‌رهایی بخش اسلام و متفکران و اندیشمندان مسلمان و علما و فقها عظیم‌الشان اسلام به ویژه مکتب تشیع حاوی مبانی و اصول بنیادینی در حوزه امنیت و ساخت آن می‌باشد و تجارب ارزشمند پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و اندیشه‌های ژرف ایشان و همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای (دامت برکاته) که ریشه در در قرآن و سیره امامان معصوم (ع) دارد منابع مهمی برای تولید نظریه اسلامی^۵ ایرانی امنیت است. و نخبگان علوم پلیسی در ایران با سازماندهی و مدیریت دانش بنیان می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته باشند. مدل مفهومی در این بررسی عبارت است از یک مثلث: ۱. میراث گرانسنگ علمی جهان اسلام و تشیع در ایران و اسلام و آموزه‌های توحیدی قرآن بویژه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته)؛ ۲. صاحب نظران و اندیشمندان حوزه مطالعات امنیتی^۶ پلیسی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه مخصوصاً مراکز علمی و آکادمیک نیروی انتظامی و نیروهای مسلح؛ ۳. سازماندهی و مدیریت متفکران و صاحب‌نظران و تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی در نیروی انتظامی.

واژه‌های کلیدی

پلیس، امنیت، دکترین و نظریه اسلامی ایرانی مدیریت دانش

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

پیروزی اعجاب انگیز انقلاب اسلامی ایران در اواخر هزارهٔ دوم میلادی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) تولد نسل جدیدی از انقلاب‌های جهان و ارمغان‌آور نظریه نوینی در نظریه‌های انقلاب بود. جوهره انقلاب اسلامی توحید و قیام و حرکت برای خدا و انگیزه الهی و معنوی ملت مسلمانی بود که برای رهایی از استبداد کهن و تاریخی شاهنشاهی و استعمار کشورهای قدرتمند غربی به پیش‌قراولی ایالات متحده آمریکا و انگلستان در پاسخ به دعوت امام امت به پاخاستند و پایه‌گذار تاسیس سیستم و نظام سیاسی جدیدی در روابط بین‌الملل شدند که به جمهوری اسلامی و نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی معروف شد. جمهوری اسلامی تبلور شعارهای هوشمندانه ملتی بود که در روزهای انقلاب با فریاد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به مبارزه و جهادی مقدس برای رهایی از چنگال استبداد و استعمار قیام کردند. بی‌تردید امام خمینی ره را از موفق‌ترین رهبران انقلاب‌های جهان می‌توان قلمداد کرد چه اینکه علاوه بر پیروزی اولیه و فروپاشی نظام شاهنشاهی موفق به تاسیس نظام سیاسی نوین و تولید نظریه و رویکرد جدید و بدیعی در عرصهٔ نظریه‌های انقلاب در قالب گفتمان انقلاب اسلامی و به تعبیر دقیق‌تر گفتمان انقلاب توحیدی در جهان شد. کلید واژه‌های جدید با بار معناشناختی قرآنی وارد ادبیات سیاسی جهان شد و واژگانی که از ابداعات و نوآوری‌های حضرت امام امت ره بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: استکبار جهانی، شیطان بزرگ، مستکبران، مستضعفان، مرفهین بی‌درد، کاخ نشینان، کوخ نشینان، جنگ فقر و غناء، اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی، بسیج و فرهنگ بسیجی، جهاد و شهادت در راه خدا، سیاست اخلاقی و معنوی، قدرت قلم و بیان معنوی واله‌ی، قیام برای خدا، وحدت اسلامی، نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی، رابطهٔ قوی دین و سیاست، حکومت طاغوتی. میزان بودن رای مردم در حکومت و بسیاری از اصطلاحات ارزشمند که از آموزه‌های توحیدی قرآن و سیرهٔ ائمهٔ معصومین (ع) که همان اسلامیت است و دخیل دانستن نقش اساسی مردم و آراء و نظریه‌های آنها در سیاست

واهمیت حیاتی رأی مردم به مثابه اصلی فقهی و شرعی از ابداعات کم نظیر مصلح بزرگ جهان اسلام و حکیم الهی و فرزانه بی بدیل حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) بود. گذار موفقیت آمیز جمهوری اسلامی از آزمایش های بزرگ و بسیار خطرناک و تجارب ارزشمند نخبگان سیاسی کشور و انعطاف پذیری حکیمانه و مبتنی بر عقلانیت از ویژگی های شایان توجه شاگردان آن امام در استمرار خط تابناک و درخشان امام در طی سال های گذشته است به نحوی که جمهوری اسلامی علی رغم شیطنت های قدرت های غربی مخصوصا شیطان بزرگ امریکا و هم پیمانان آن کشور و همچنین سنگ اندازی های برخی از ایرانیان کوتاه فکر و روشنفکران خود باخته در فرایند پیشرفت، ترقی و توسعه در ابعاد فرهنگی و علمی، سیاسی، اقتصادی و به ویژه اجتماعی گام های بلندی را برداشته و به یک نظام سیاسی مقتدر، پیچیده، هوشمند، کارآمد و اثربخش در عرصه منطقه ای و جهانی تبدیل شده است. یکی از شاخص های مهم این توسعه پیدایش اجماع نظراولیه در میان نخبگان سیاسی کشور می باشد که در قالب سند ۲۰ ساله چشم انداز نظام از سوی مقام معظم رهبری دامت برکاته در آبان ماه سال ۱۳۸۲ ابلاغ شده است. (ترابی، ۱۳۸۹). یکی از برکات انقلاب اسلامی پیدایش اعتماد به نفس و زمینه برای تولید نظریه های علمی در حوزه های مختلف علوم و دانش است و یکی از حوزه های مهم و بنیادین حوزه امنیت و امور دفاعی و همچنین حوزه ماموریت های پلیس و نیروی انتظامی می باشد. نوشتار حاضر پویایی علمی و دانش بنیان برای ترسیم اصول و مبانی نقش پلیس بر نظریه اسلامی ایرانی امنیت است. امید می رود با هوشمندی و جهاد مستمر علمی نخبگان فکری-علمی و فرهنگی کشور و همچنین پیش بینی مدیریت های کارآمد و اثر بخش ان شاء الله شاهد گسترش جنبش علمی و نهضت تولید علم در عرصه های مختلف علوم مبتنی بر ارزش های بومی اسلامی- ایرانی در جمهوری اسلامی ایران باشیم.

روش و نظریه را می توان دو رکن اساسی فرایند تولید علم ارزیابی نمود که بدون توجه به آنها تحلیل ها و داده های ارائه شده را نمی توان اعتبارسنجی کرد. (افتخاری، ۱۳۹۱،

ص ۲۷) و یکی از عرصه‌ها و حوزه‌های بسیار مهم تولید علم و نظریه حوزه امنیت است. در حوزه معرفت شناختی امنیت دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد که بسیاری از آنها مبتنی بر هستی‌شناسی‌های گوناگون و متأثر از جهان بینی‌ها و فرهنگ‌ها و ارزش‌های غیر دینی، دینی و منطقه‌ای، ملی خاصی ارائه شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران که نظامی دینی و مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی^۱ ایرانی و دارای هویتی معنوی و اخلاقی و توحیدی است در حوزه امنیت پژوهی دارای رویکردهای بومی و متناسب با ارزش‌ها و فرهنگی متعالی اسلام و تشیع می‌باشد که در قالب نظریه اسلامی^۲ ایرانی امنیت قابل تبلور است. مسئله‌ای که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارت است از: نقش پلیس و نیروی انتظامی در نظریه اسلامی^۳ ایرانی امنیت و به عبارت دیگر می‌خواهیم کارکردهای نیروی انتظامی را در فرایند تولید نظریه امنیت بومی در جمهوری اسلامی بررسی کنیم. سوال‌های مطرح در این بررسی عبارت‌اند از: ۱. تولید علم و نظریه پردازي چیست و چگونه انجام می‌شود؟ ۲. نقش و جایگاه نیروی انتظامی در ارائه نظریه اسلامی^۴ ایرانی امنیت چیست؟

پلیس و نیروی انتظامی: واژه‌ای فرانسوی و از واژه لاتین polis به معنای شهر اخذ شده است (عربی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸) و در معنای اصطلاحی، پلیس سازمان تنظیم کننده اخلاقیات، آرامش، آسایش و تامین کننده نظم عمومی و مجری قوانین است و در یک جمله پلیس متصدی حفظ نظم عمومی در یک جامعه سیاسی است. (آقابخشی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۱).

امنیت: امنیت به معنای آرامش، آسودگی، ایمن و در امان بودن بکار رفته و شرایطی است که ضد خوف و ترس، بی‌بیمی و... در امان ماندن از هراس، آرامش قلب، آسودگی و ایمنی و آسایش را فراهم می‌کند و ضد آن ناامنی حالات یا موقعیت‌هایی است که نظم، انسجام و آرامش جامعه را بر هم می‌زند. (چلبی، ۱۳۷۵)

دکترین و نظریه: در خصوص دکترین و نظریه تعاریف گوناگونی وجود دارد، در یکی از تعاریف که دارای مضمون ارزشمندی است آمده است: نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم

و گزاره‌هایی است که بنا بر منطق از پیش فرض‌ها مشتق شده و آن مفاهیم را به هم ربط داده‌اند و این ساختار منطقی یک نظریه است. (نایی، ۱۳۶۰)

نظریه به لحاظ رویکردهای مختلف سه تعریف متفاوت دارد که عبارت‌اند از:

اول: تعریف ذهن‌گرایان: نظریه عبارت است از دستگاه قیاسی که حاوی مجموعه‌ای از قضایای به هم پوسته از عناصر ذهنی است. اعتبار این عناصر از اصول موضوعه اخذ شده و اصول موضوعه قضایای بدیهی هستند که واجب سازگاری درونی بوده و عقل بدون برهان آنها را می‌پذیرد.

دوم: تعریف عینی‌گرایی: نظریه چکیده‌ای منتظم از داده‌ها است که در ذهن منعکس می‌شود و نظریه فرایندی ذهنی که از تعمیم یافته‌های تجربی حاصل می‌شود.

سوم: تعریف معرفت‌شناختی: آنچه در علوم اجتماعی به عنوان نظریه مورد پذیرش است تلفیقی از دو تعریف پیشین است و از این منظر به اهمیت و جایگاه داوری نظریه تاکید می‌شود. و منظور از داوری قدرت تبیین یک نظریه است.

در مورد اهمیت شایان توجه نظریه پردازی آمده است: نظریه زمینه و بستری را فراهم می‌کند که مشاهدات خاص خود را در آن قرار داده و به این ترتیب به درک معنا و اهمیت احتمالی مشاهدات کمک می‌کند. نظریه می‌تواند به درک و فهم مجموعه‌ای از مشاهدات کمک کند و امکان ارتباط مشاهدات را فراهم آورد و در نتیجه تبیین را فراهم کند. نظریه هدایت‌گر تحلیل است یعنی قضایایی از نظریه برمی‌خیزد که محور اصل تحلیل داده‌ها می‌باشد. (نایی، ۱۳۷۶، ص ۲۴)

توماس کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۷۲) تصویری نو از چگونگی تولید علم و نظریه مطرح می‌کند. زمانی که دانشمندان در خصوص یک پدیده خاص و یک مسئله) به یک دیدگاه مشترک می‌رسند پارادایم پدید می‌آید، پارادایم فرا تر از یک نظریه محدود علمی است بلکه نزدیک به یک مکتب فکری است.

کوهن معتقد است نوآوری و خلاقیت در شرایطی پدید می‌آید که متفکران معتقد به یک پارادایم خاص مستمرا با حوادث و مسائلی مواجه شوند که با نقطه نظرات آنها در تقابل باشد در نتیجه این تقابل‌ها زمینه تولید پارادایم جدیدی فراهم خواهد شد و این یک روند رو به رشد رویکردهای علمی و تولد نظریه‌ها و پارادایم‌های علمی است.

پارادایم از واژه پارادایگمای یونانی اخذ شده و تغییر شکل یافته کلمه‌ای است که مترجمان به صورت مثل و نمونه مثل افلاطونی ترجمه کرده‌اند. (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۷۷)

نظریه اسلامی - ایرانی: منظور از نظریه اسلامی ایرانی، نظریه‌های است که با متناسب با شرایط زیست بومی ایران و استفاده از منابع ارزشمند در فرهنگ و ارزش‌ها و میراث علمی و تمدنی بومی اسلامی و ایرانی تولید می‌شود. طبعاً چنین نظریه‌هایی به دلیل ریشه داشتن در فرهنگ و ارزش‌های تمدنی و جغرافیای اسلامی - ایرانی از ظرفیت‌های عمیق و دارای انسجام برای انطباق با جامعه ایرانی اسلامی برخوردار خواهد بود.

نکته قابل توجه این است که به دلیل نقل و انتقال طبیعی فرهنگ‌ها و تاثیرگذاری و نفوذ آنها بر همدیگر، اغلب نظریه‌ها و تئوری‌ها به طور نسبی قابلیت انطباق پذیری دارند.

مدیریت دانش: عبارت است از: ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یک سازمان برای بهره‌مندی از دانش‌های مورد نیاز خود که از طریق:

تولید دانش، پالایش، سازمان دهی، تسهیم، توزیع و اشتراک آن در میان دانش‌گران انجام می‌پذیرد. مدیریت دانش، کسب دانش درست برای افراد مناسب در زمان صحیح و مکان مناسب است به گونه‌ای که آنها بتوانند برای دستیابی به اهداف سازمان بهترین استفاده را ببرند. (افرازه، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

یکی از معروف‌ترین مدل‌ها برای مدیریت دانش در یک سازمان مدل چهار فرایندی (SECL) است. تولید دانش توسط تعامل دانش ضمنی و دانش صریح در سطح سازمان امکان پذیر باشد. این چهار مرحله عبارت‌اند از:

۱. تبدیل دانش ضمنی به دانش جدید یا جامعه پذیری که مبتنی بر مشارکت و بهره گیری از تجارب کارکنان است؛
۲. تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح یا برون سازمانی؛
۳. تبدیل دانش صریح به دانش صریح جدید و پیچیده تر یا تلفیق؛
۴. تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی یا درونی سازی (گانچالک، ۱۳۸۸)

روش ها و سازوکارهای تولید نظریه و علم: نظریه پردازی و ارائه تئوری های جدید در عرصه های گوناگون علوم امری ظریف و پیچیده و مبتنی بر اصول و قواعد عقلی است و فلاسفه و اندیشمندان و نظریه پردازان در اغلب موارد به لحاظ فکری و عقلی و هوشمندی و خلاقیت های فکری از برجستگی های به سزایی برخوردار بوده و هستند. بررسی های تاریخی نشان می دهد که روش واحدی و استاندارد برای تولید دانش و نظریه پردازی وجود ندارد، بلکه روش ها و سازوکارهای متعدد و متکثری در این قلمرو وجود دارد؛ برای مثال، نظریه پردازی به عنوان تحلیل نظام مند اثر کارل وایک. روش عمومی نظریه پردازی لین هام. چرخه نظریه پردازی کارل لایل و کریستینسن و مدل نظریه پردازی ون دی ون از جمله آثار در این زمینه است. (دانایی فرد، ۱۹۲، ۳۸۸) هدف بنیادین نظریه این است که تا حدی واقعیت را توضیح دهد. بفهمد و تفسیر کند در واقع ممکن است قدری پیشرفته و استدلال کنیم که بدون نظریه فهم واقعیت غیر ممکن است. نظریه به کار ویژه های ارزشمندی در تلاش برای فهم شیوه ای که جهان اجتماعی مبتنی بر آن کار می کند کمک کرده و شرایطی فراهم می کند که عبارت اند از: اول این که نظریه برخی جنبه های جهان را نزدیک می کند و در مورد اینکه چه چیزی باید جست و جو شود راهنمایی و ما را متعهد می سازد تا جهان را ببینیم و بر جنبه های ویژه ای از واقعیت تمرکز کنیم. دوم اینکه نظریه به عنوان یک نظام فهرست سازی عمل می کند یعنی چارچوبی که در آن می توان مشاهدات از واقعیت را جای داد. سوم این که نظریه می تواند الگوهای فکری را توسعه دهد. نظریه ها معمولاً به گونه ای نسبتاً انتزاعی بیان می شوند تا تجربه را فشرده و منظم کرده و به ما اجازه

می دهند تا دنیایی منسجم از اجزاء متعدد اطلاعات داشته باشیم. (مارش واستوکر، ۱۳۷۸، ص ۳۴)

اولین ونخستین گام و مبنای اصولی و بنیادین نظریه پردازی و تولید علم را وجود مجهولات، سوالات و مسائل مطرح برای انسان‌های متفکر تشکیل می‌دهد، به این معنا که نظریه در بستر موجهه با سوال و مسئله تولید می‌شود. تفکر فرایندی است که ذهن از نقطه آغازین روبرو شدن با مجهول و سوال و حرکت ذهن و فکر به سمت پاسخ و کشف راه حل مسئله حرکت می‌کند. رضایت نداشتن از وضعیت موجود و ترسیم آینده‌ای بهتر و مطلوب و کشف روش‌ها و راه‌های بهتر برای رسیدن به اهداف والا همواره از زمینه‌های خلاقیت و نوآوری در عرصه‌های گوناگون علوم بوده است که اغلب توسط عده‌ای اندک از نخبگان فکری تحقق یافته است؛ برای مثال امروزه مقوله آینده پژوهی یکی از سازوکارهای شایسته برای تحول علمی و نیل به رویکردهای نوین در عرصه‌های مختلف علمی می‌باشد. تولید علم و نظریه در طول تاریخ در حوزه‌های مختلف علوم و دانش به طرق گوناگون انجام شده است. بررسی‌ها حاکی از این واقعیت است که ۱. بخشی از دانش بشری مرهون وحی الهی و متون دینی نازل شده بر انبیاء علیهم السلام است؛ ۲. بخش دیگری از علوم مبتنی بر کشف و شهود و ادراکات درونی عرفا می‌باشد؛ ۳. بخش مهم دیگری از علوم در تخصص‌های گوناگون مبتنی بر تفکرات و تلاش‌ها و پویش‌های فکری و علمی فلاسفه، اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم است که مبتنی بر تجربیات و آزمون‌های متعدد به مرحله ظهور رسیده است. برای تولید نظریه‌های علمی دو روش کلان و نسبتاً اجماعی در میان محققان وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. روش استقرا که از مشاهده‌ی اجزای مختلف به یک نتیجه‌گیری کلان می‌رسیم؛
 ۲. روش قیاس که از تعمیم حکم کلی بر اجزای مشابه حاصل می‌شود.
- فرایند تولید و چرخه علمی یک نظریه مستلزم کنش‌های متقابل استدلال‌های استقرایی و قیاسی در مراحل زیر است:

۱. از روش استقرا استفاده میکنیم تا آنچه را که در مصادیق مختلف مشاهده کرده ایم به فرضیه‌ای مسلم تبدیل کنیم؛

۲. از روش قیاسی استفاده میکنیم تا بتوانیم نتایج آینده را پیش بینی کنیم؛

۳. پیش بینی‌ها را در مورد مشاهدات جدید آزمایش می‌کنیم؛

۴. در فرضیه‌های خود تردید و تجدید نظر می‌کنیم تا در بایم در مقام عمل تا چه میزان با مشاهدات ما انطباق دارند. (مانهایم و ریچ، ۱۳۷۷، ص ۳۴-۳۵)

نظریه‌های عرفی و مادی علمی که امروزه در محافل آکادمیک و علمی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند دارای ارکانی هستند که مهم‌تری آنها عبارت‌اند از:

۱. رکن اول. قانون (علی): بنیاد علم را وجود قوانین علی و کشف آنها تشکیل می‌دهد و قانون کلی و قابلیت پیش بینی و تجویز دارد و علاوه بر آن جزئی نگر و ابطال پذیر نیز است.

۲. رکن دوم مرجعیت (واقعیت): مبنای علمی بودن یک گزاره آن است که بتواند نسبتی معنادار با واقعیت خارجی برقرار کند و مفسر و شارح آن باشد. (افتخاری، ۱۳۸۲)

۳. رکن سوم. عینیت باوری: چالمرز جانسون تعبیر از علم بر این ویژگی تاکید دارد و می‌گوید: علم عینی است یعنی عقاید و سلیقه‌هایی شخصی و تخیلات نظری هیچ جایی در علم ندارند. (چالمرز، ۱۳۷۴، ص ۹۰)

۴. رکن چهارم. عقل گرایی: به تعبیر چالمرز یک نظریه علمی آن است که بتوان آن را بر اساس معیار کلی مقبول نزد عقل ارزیابی کرد و در بوتهٔ آزمون آن را سرفراز بیرون آید.

خصوصیات و ویژگی‌های اساسی یک نظریه علمی: این خصوصیات عبارتند از:

۱. ترکیب تعداد متعددی از مشاهدات استقرا شده به منظور تولید علم؛

۲. اکتشافی بودن، به معنای تولید یافته‌های جدید و نوع؛

۳. قابلیت تکرار و آزمون در مقام تجربه؛

۴. ابزاری بودن نظریه و جنبه وسیله بودن آن برای کشف حقیقت؛

۵. انتزاعی بودن نظریه‌ها که جنبه صوری آنها را تشکیل می‌دهد. فرایند تولید یک نظریه علمی عبارت‌اند از:
 ۱. وجود ظرفیت و آمادگی، به این معنا که ابزارها و امکانات اولیه مانند امکان تحصیل و آموزش مناسب و فراهم بودن زمینه تحقیق میسر باشد؛
 ۲. وجود مجهولات، سوال‌ها و مسائل به منظور تحریک ذهن و فکر برای پویا و کندوکاو علمی؛
 ۳. اصرار و پافشاری و ابرام متفکران و اصحاب اندیشه؛
 ۴. پیدایش بینش و نگرش که مرحله حل مسئله از طریق یافتن راه‌های متفاوت یا حداقل یک راه حل مناسب برای حل مسئله است؛
 ۵. مرحله آزمون و تحقیق ایده و نظریه و روش کشف شده به منظور سنجش قدرت و نفوذ تعمیم آنهر نظریه برای رسیدن به نتیجه باید ۶ مرحله را پشت سر بگذارد که عبارت‌اند از:
 ۱. فرضیه پردازی؛
 ۲. کلی بودن؛
 ۳. اغماض از جزئیات؛
 ۴. انسجام یابی منطقی؛
 ۵. پردازش گفتاری و تبدیل به گزاره؛
 ۶. کسب اعتبار در مقام نقد و بررسی (جعفری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۶).

عوامل تاثیر گذار بر تولید نظریه‌های علمی

۱. حاکمیت فرهنگ طرح سوال و پیگیری مجهولات در جامعه به ویژه نخبگان فکری؛
۲. فرهنگ مطالعه کتاب، تحقیق و پویا علمی در جامعه؛
۳. وجود اندیشمندان، متفکران در عرصه‌های مختلف علمی^۱ اجرایی جامعه؛
۴. وجود سیستم مدیریتی کارآمد و اثر بخش برای مدیریت دانش؛
۵. وجود آزادی تفکر و بیان در فضای فرهنگی مخصوصا دانشگاه‌ها و سیاسی جامعه؛

۶. وجود مراکز، کانون‌ها، پارک‌های علمی و کرسی‌ها و حلقه‌های مباحثه و مناظره علمی؛

۷. مبتنی بر زمان و تدریج بودن تولید علم و دانش؛

۸. سرمایه‌گذاری برای تولید علم و دانش از طریق مدیران و نخبگان تصمیم‌گیرنده؛

۹. وجود تصویری از آینده‌ای مطلوب و انگیزه بالا برای ترسیم وضعیتی بهتر در بستر آینده؛

۱۰. امکان رواج تضارب آراء و فرهنگ نقادی علمی در میان متفکران و روشنفکران جامعه؛

۱۱. فرهنگ شدن و اعتقاد عملی به آینده پژوهی و تاسیس کانون‌های آینده پژوهی در رشته‌های مختلف علوم.

حضرت امام خمینی (ره) آزادی را مبداء تمدن سازی تلقی کرده و در اهمیت آن می‌فرماید: اول مرتبه تمدن آزادی ملت است. مملکتی که آزادی ندارد تمدن ندارد. یک مملکتی که استقلال ندارد و وابسته به غیر است و همه هم با عمل ایشان وابسته به غیر شده. این نمی‌شود گفت یک مملکت. مملکت مفهوم آن است که آزاد باشد. مطبوعاتش آزاد باشد. مردم آزاد باشد. در اظهار عقیده و در رای‌شان. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج. ۵، ص ۳۳-۳۴) یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر تحول علمی و تولید علم. امکان تضارب آراء و فرصت نقادی بی چون و چرا و منصفانه است. در همین رابطه و در خصوص شرایط لازم برای امکان پذیر شدن نظریه پردازی مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای دامت برکاته می‌فرماید: در عرصه تفکر و نظریه پردازی ما احتیاج داریم به تعدد آراء و تضارب آراء، یعنی اینکه ما می‌گوییم به یک نظریه باید برسیم و خط ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتاً طولانی و گسترده‌ای است که اهم این مقدمات همین است که آراء متفکران تضارب پیدا کند، آراء مختلفی مطرح شود و این لازم است، این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیشداوری داریم. یک چیزی را از اول در نظر

گرفته ایم و می‌خواهیم حتماً به آن برسیم، نه می‌خواهیم با تضارب آراء بیاییم آنچه را که حق است و آنچه را که درست است؛ بنابراین تضارب آراء لازم است و حد یقف هم ندارد. (خامنه‌ای، ۵۲، ۱۳۹۰). ایشان همچنین تاکید جدی بر نهضت آزاد اندیشی و جنبش نرم افزاری و تولید علم داشتند.

منابع و کانون‌های بنیادین نظری پردازي اسلامی - ایرانی امنیت: بررسی‌ها

نشان می‌دهد امنیت از جمله واژه‌هایی است که دارای تعاریف متعدد و در عین حال از غموض و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و از دیر باز نظریه‌های گوناگونی توسط فلاسفه و اندیشمندان در خصوص فلسفه امنیت، چیستی و چرایی امنیت، ابعاد امنیت، سطوح امنیت و چگونگی تولید و حفظ امنیت مطرح شده است. آنچه در میان این معرکه‌های نظریه‌ها شایان توجه است ضرورت و وجود انکارناپذیر امنیت برای استمرار زندگی و تمدن انسانی در ادوار مختلف تاریخی است. نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت و پایه‌های اساسی آن، وابستگی این نیاز حیاتی را به پیشینه تاریخ، فرهنگ، آرمان‌ها و دیگر زمینه‌های بومی هر کشور ثابت می‌کند. (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۲). بنابراین برای رسیدن به رویکردهای بومی و نظریه‌های محلی و ملی در درون یک واحد سیاسی به نام کشور ضروری است ظرفیت‌های فرهنگی، علمی و میراث تمدنی آن کشور به نحو احسن مورد شناسایی و کالبد شکافی دقیق قرار گیرد تا از این طریق بتوان متناسب با جغرافیای تمدنی و شرایط و ویژگی‌های آن سرزمین به نظریه‌پردازی برخاسته از منابع و میراث فکری و علمی و فرهنگی خود پرداخت. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای پیشینه تمدنی چند هزار ساله مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ غنی و تمدن‌ساز می‌باشد. وجود اندیشمندان، متفکران، فلاسفه، فقهاء، شاعران بزرگ و ادیبان برجسته حاکی از عظمت تمدن ایرانی^۵ اسلامی این سرزمین کهن است. بی‌تردید ابن‌سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، شمس‌الدین محمدحافظ، جلال‌الدین مولوی بلخی، سعدی شیرازی، ابوالقاسم فردوسی، عطارنیشابوری و خیام و متفکرانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی، صدرالمتهلین شیرازی، حضرت امام

خمینی، علامه طباطبایی استاد شهید مرتضی مطهری و پروفیسور محمود حسابی و بسیاری دیگر از مفاخر و مشاهیر بزرگ و فرزانه ایران و اسلام هستند که در قله‌های رفیع معرفت و دانش قرار دارند و آوازه و وصیت آنها نگاه جهانیان را معطوف به خویش ساخته است.

البته شایان توجه است که رویکردهای علمی و نظریه‌های بدیع و نو جنبه فرا ملی و جهانی داشته و به هر میزان نظریه و علوم متقن و دارای صلابت علمی باشند از دامنه و شدت نفوذ بیشتری برخوردار بوده و از ژرفای اثر بخشی بیشتری برخوردار خواهد بود. امعان نظر در تمدن بزرگ اسلامی ایرانی حاکی از وجود گنجینه‌های والای فرهنگی و علمی درخشان در ادوار مختلف تاریخی است و میراث فرهنگی و فکری ایرانیان مشتمل بر دو دوره تاریخی قبل از اسلام و بعد از اسلام است که ترکیبی از بزرگی و الوایی در ابعاد توحیدی، معنوی، اخلاقی و تمدنی انسانی می‌باشد، که کالبدشناسی ظرفیت‌های آن گامی اساسی و محکم برای دسترسی به این گنجینه عظیم فکری و علمی است که متاسفانه کمتر ابعاد و ژرفای آن مورد بررسی علمی قرار گرفته است و به تعبیر حکیمانه خواجه عبد الله انصاری: نه آنچه را داریم دانیم و نه آنچه را دانیم داریم.

بنیادهای نظریه اسلامی - ایرانی امنیت: منظور از مبانی و بنیادهای نظریه اسلامی °

ایرانی امنیت منظومه و سیستم امنیتی است که دارای اصول و پایه‌ها و شاخص‌های ارزشمندی است که شناسایی دقیق آنها بی‌تردید گامی بلند در فرایند تولید نظریه، دکترین و پارادیم در عرصه امنیت می‌باشد، امنیتی که از ثبات، استواری و پایداری اطمینان بخشی برخوردار بوده وزیر بنای ترقی، پیشرفت، تعالی و توسعه کشور را در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قضایی و حقوقی فراهم می‌کند.

ارکان مبانی و اصول امنیت در رویکرد اسلامی - ایرانی عبارت‌اند از:

۱. اصل تضاد حاکم در اجزاء هستی موتور محرک تحولات و تغییرات اجتماعی و تاریخی است و به تعبیر حکیمانه ملا صدرا (ره) لولا التضاد ما صح دوام الفيض عن مبداء الجواد. اگر تضاد نبود امکان استمرار فیض الهی بر هستی وجود نداشت (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۹۰)

و به تعبیر آیه شریفه: فازلهم الشيطان عنها فاخرجهما مما كانا فيه وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم مستقر ومتاع الى حين^{۱۰} (بقره ۳۶) در تفسیر آیه مزبور ایه الله عمید زنجانی معتقد است که دشمنی و تعارض از جمله ویژگی‌های حیات دنیوی است که همزاد جوامع بشری می‌باشد. (عمید زنجانی، ج ۳، ۱۳۸۳، ص ۳۶۹) و از آنجا که خوف و حزن در ادبیات قرآنی دو عامل مهم ایجاد اختلال در امنیت است و به تعبیر قرآن: قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم مني هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون (بقره ۳۸) در این آیه شرط اساسی مصونیت از هراس و خوف و حزن اطاعت و پیروی از هدایت الهی قلمداد شده است. (افتخاری، ۱۳۹۱، ص ۲۰)

۲. امنیت مقوله‌ای سیستمی و نظام‌مند و در چارچوب کارکردهای منطقی و روابط سیستم‌های مختلف موجود یک جامعه تحقق پیدا می‌کند. که جوهره آن را سیستم جامع ایمان به اضافه کارکرد شایسته و صالح توسط کنشگران اجتماعی تشکیل می‌دهد. (الذین آمنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك لهم الامن.... (انعام، ۸۲) یا فمن آمن واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون (انعام، ۴۸)

ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون، افا من اهل القرى ان ياء تيهيم باء سنا بياتا وهم نائمون او امن اهل القرى ان تاء تيهيم باء سنا ضحى وهم يلعبون افا منوا مكر الله فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون (اعراف، ۹۶-۹۹)؛

۳. امنیت مقوله‌ای ارزشی و اخلاقی است که برای همه انسان‌ها و جوامع اهمیت مشترک دارد؛

۴. تقوی و پرهیزکاری از مولدهای مهم امنیت در جهان بینی توحیدی است؛

۵. مکارم اخلاقی و رعایت اخلاق در رفتارهای متقابل اجتماعی مولد امنیت در جامعه می‌باشد؛

۶. امنیت به واسطه کفران نعمت الهی اختلال یافته و رو به زوال می‌رود. (ضرب الله قریه کانت آمنه مطمئنه یا تیهها رزقها رغدامن کل مکان فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون (نحل ۱۱۲)؛

۷. امنیت به واسطه ظلم و ستم و تبعیض از بین می‌رود؛

۸. امنیت به واسطه گناه و کجروی و تعدی از قوانین و احکام الهی و ارزش‌های اجتماعی اختلال پیدا می‌کند؛

۹. امنیت نیازمند مراقبت و حفاظت از سوی حکومت و مردم می‌باشد؛

۱۰. امنیت ارتباط عمیق و تنگاتنگی با ماهیت رهبران جامعه و نخبگان قدرت سیاسی جامعه دارد؛

۱۱. امنیت در پرتو نهاد امر به معروف و نهی از منکر پایداری پیدا می‌کند؛

۱۲. امنیت در پرتو فرهنگ احساس مسوولیت اجتماعی در میان مردم رشد پیدا می‌کند (کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیت)؛

۱۳. امنیت منظومه‌ای اجتماعی شده است. که تولید و استقرار آن در گرو تعامل و همکاری سیستمی نظام‌های اصلی یک جامعه یعنی نظام اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی با همدیگر است.

از شخصیت‌های علمی موفق و کم نظیر در جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های اخیر موفق به رسیدن به مرزهای نظریه پردازی در حوزه امنیت اسلامی^۵ ایرانی با تاکید بر اندیشه‌های درخشان حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) شده است می‌توان به آقای دکتر اصغر افتخاری اشاره کرد که در قالب سه جلد کتاب نفیس تحت عناوین:

۱. انتظام ملی. جامعه شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی (ره)؛

۲. اقتدار ملی جامعه شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)؛

۳. وفاق ملی جامعه شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره).

تالیف و به زیور طبع آراسته شده است نکته مهم در این رابطه غفلت جامعه علمی ما بویژه نیروی انتظامی از این سه اثر کم نظیر و بدیع است که به نظر اینجانب شایسته است مدل و الگوهای به کارگیری شده دکتر افتخاری در قالب نشست‌های تخصصی^۵ علمی تعمیق و ویرایش شده و به عنوان مدلی ارزشمند در تولید نظری‌های علمی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی قدرت، نظم - امنیت و وفاق بکارگیری و در مراکز علمی مورد تدریس مباحثه علمی قرار گیرد.

مهم‌ترین منابع و کانون‌های معرفتی و علمی جامعه ایرانی را برای تولید نظریه و دکترین اسلامی^۶ ایرانی در عرصه‌های گوناگون علوم از جمله علوم و دانش‌های پلیسی به شرح زیر مورد احصاء و تمییز قرار داد.

۱. منظومه علمی - فکری تمدنی ایران باستان قبل و بعد از اسلام و آموزه‌های توحیدی، معنوی و اخلاقی و روش‌های بدیع و کارآمد سیاست ورزی و آیین‌های ملک‌داری و حکمرانی مبتنی بر عقلانیت که در قالب سلسله‌های مختلف حکومتی قابل مطالعه و بررسی است؛

۲. کتاب‌ها و مکتوبات بزرگان و اندیشمندان ایرانی دوران باستان از حضرت زرتشت نبی و جاماسب گرفته تا روش‌های مدیریتی کوروش حکیم بزرگ ایرانی که به تعبیر حضرت علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذوالقرنین قرانی همان کوروش بزرگ است. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲۶)؛

۳. قرآن کریم بزرگترین کتاب وحی الهی و جامع میراث درخشان انبیاء الهی و پیامبر ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی (ص) که هیچگونه دخل و تصرف و تغییری در آن راه نیافته است. قرآن حاوی معارف عمیق و ارزشمندی در حوزه‌های مختلف علوم از جمله امنیت در ابعاد و اشکال گوناگون آن است که یکی از ذخایر بزرگ توحیدی برای کشف و تولید نظری‌های امنیت محسوب می‌شود. طبعاً شناخت امنیت از منظر قرآن و لایه‌های بدیع و نوین آن مبنایی استوار برای تولید رهیافتهای توحیدی در حوزه امنیت پژوهی محسوب می‌شود؛

۴. سیره درخشان حضرت محمد مصطفی ص در دوران تابناک نبوتش به ویژه دوران دولت مدینه النبی در شهر مدینه و پس از فتح مکه در برقراری الفت، وحدت، محبت و همبستگی الهی، آرامش و اطمینان و سکینه عمیق در میان مردم، امنیت روحی و روانی پایدار مبتنی بر ایمان و عمل صالح، حذف خوف و نا امنی از شهرهای اسلامی؛
۵. سیره درخشان امامان معصوم علیهم السلام مخصوصا حضرت امیرالمومنین علی (ع) در دوران خلافت خلفای پیامبر اسلام به ویژه خلافت پنج ساله اش؛
۶. آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان و فلاسفه و فقهای بزرگ مسلمان ایرانی در ادوار تاریخی پس از اسلام؛
۷. تجارب برخاسته از روش‌های حکمرانی و ملک داری در قلمرو پهناور ایران اسلامی در دوران مختلف تاریخی؛
۸. تجارب حاصل از جنگ‌های بزرگ و هجوم‌های ویرانگر به ایران پس از اسلام به ویژه هجوم مغول‌ها در دومرحله؛
۹. تجارب گرانسنگ نظام سیاسی دولت صفویه در ایران؛
۱۰. تجارب گرانسنگ دوران حاکمیت استعمار غربی بر ایران در دوره قاجار و پهلوی و پیدایش نهضت‌ها و قیام‌های آزادی‌بخش مانند نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، نهضت ۱۵ خرداد و بالاتر از همه تجربه عظیم پیروزی انقلاب اسلامی ایران و میراث گران‌بهای جمهوری اسلامی و گذر از بحران‌های بزرگ پس از انقلاب مانند مقابله جبهه متحد ضد انقلاب داخلی و گروهک‌ها و تجاوز نظام بعثی عراق با پشتیبانی کشورهای غربی به رهبری امریکا و مقابله هوشمندانه ملت بزرگ ایران در برابر فشارهای جبهه کفر و نفاق در سی و چند سال گذشته به مثابه تابلویی درخشان و تابناک از مقاومت و ایستادگی و مجاهدت فی سبیل الله مردم سرافراز ایران اسلامی می‌باشد؛
۱۱. آراء و اندیشه‌های امنیتی و پلیسی در دوران نظام سیاسی مقتدر صفوی و سپاه قزلباش و امور حسبه و داروغگی؛

۱۲. تجارب امنیتی و پلیسی دوران قاجار به ویژه تجربه پلیس قزاق، پلیس جنوب انگلیسی ها، پلیس اطریش به رهبری کنت دومنت، تجربه پلیس ژاندارمری سوئدی‌ها به رهبری یالمارسن، و...

۱۳. تجارب پلیس عصر پهلوی اول و دوم در قالب شهربانی و ژاندارمری و ترجمه آثار امنیتی و پلیسی غرب در ایران؛

۱۴. تجارب پلیس‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مانند شهربانی. ژاندارمری و به ویژه کمیته‌های انقلاب اسلامی که به صورت خود جوش از متن توده‌های مسلمان و در کانون مساجد و حسینیه‌ها در همه شهرها و بخش‌ها و حتی برخی از روستاها تولد یافت و پس از آن تجربه گرانسنگ بسیج مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شایان توجه است؛

۱۵. آراء و نظریه‌های حکومتی، سیاسی، دفاعی و امنیتی حضرت امام خمینی (ره) و شاگرد فرزانه ایشان حضرت آیه الله خامنه‌ای (دامت بر کاته) رهبر معظم انقلاب اسلامی؛

۱۶. تجارب و آراء نظریه پردازان عرصه امنیت، دفاع و امور پلیسی و انتظامی پس از انقلاب اسلامی مخصوصا پس از ادغام نیروهای انتظامی در سال ۱۳۷۰ و ادبیات تولید شده در مراکز و کانون‌های علمی امنیتی و پلیسی کشور؛

۱۷. آراء جرم شناسان و حقوق دانان در حوزه علوم جرم شناسی و پلیسی؛

۱۸. آراء و دیدگاه‌های روان شناسان و جامعه شناسان در حوزه آسیب‌های اجتماعی.

عوامل و متغیرهای تاثیر گذار عام در تولید نظریه اسلامی^۱ ایرانی امنیت در قالب ساختار^۲ کار گزار که به تولید نظریه و علم کمک می کند عبارت‌اند از :

۱. کنشگران و افراد تاثیر گذار بر تولید علم

۱-۱ اندیشمندان و متفکران علوم اجتماعی، روان شناسی، علوم سیاسی، حقوق و جرم شناسی و فقهاء و فلاسفه؛

۲-۱ کارشناسان علوم پلیسی و امنیتی^۳ دفاعی؛

۳-۱ اساتید و دانش پژوهان شاغل در مراکز علوم پلیسی و امنیتی و دفاعی؛

۴-۱- روزنامه نویسان و ارباب جرائد و مطبوعات در حوزه اجتماعی - امنیتی و حقوقی و سیاسی؛

۵-۱- مردم و مطالبات و چگونگی رضایت‌مندی آنها از پلیس و نیروی انتظامی (آراء مردمی)؛

۶-۱- کارکنان نیروهای مسلح در ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح.

۲- ساختارها و نهادها

۱-۲- نظام فرهنگی پویا و خلاق شامل فرهنگ، آداب و رسوم، دین و مذهب و ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری و اخلاقی جامعه؛

۲-۲- نظام آموزش و پرورش کارآمد دوره ابتدایی و عالی دانشگاهی و حوزه‌های علمیه کشور؛

۳-۲- نظام مدیریت سیاسی کارآمد مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و ملاک بودن رای مردم مسلمان؛

۴-۲- نظام دفاعی و امنیتی کارآمد توحیدمحور و عقل‌محور؛

۵-۲- سازمان و نیروی انتظامی دانش‌بنیان و مبتنی بر شایسته‌سالاری واقعی؛

۶-۲- مراکز علمی و مطالعاتی پلیس دانش‌بنیان - آموزشی و پژوهشی (دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه)؛

۷-۲- شناسایی و سازمان‌دهی نخبگان و برنامه‌ریزی علمی نهادها و ساختارهای ذی‌ربط؛

۸-۲- پیشینی و اختصاص بودجه مناسب برای فراهم آوردن زمینه‌های تولید علم؛

۹-۲- هماهنگی میان ساختارهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و حقوقی؛

۱۰-۲- تشکیل نحل‌های علمی آینده‌پژوهی و کرسی‌های مباحثه و مناظره و نقد و بررسی

آزاد آراء و اندیشه‌ها (کرسی‌های نظریه‌پردازی)؛

۱۱-۲ نواندیشی و خلاقیت‌های متفکران و اندیشمندان بومی کشور و مقابله با تحجر و جزمی‌گرایی؛

۱۲-۲ ارتباط با مراکز مطالعاتی و علمی معتبر جهان در عرصه علوم امنیتی و پلیسی؛

۱۳-۲ برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی برای تبادل دانش و یافته‌های اندیشمندان؛

۱۴-۲ دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی نیروهای مسلح به ویژه دانشگاه علوم انتظامی و سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت و نقش بنیادین دانشگاه می‌فرماید: دانشگاه مبداء همه تحولات است. از دانشگاه چه دانشگاه علوم قدیمه و چه علوم جدیده. از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد. جدیت بکنید. دانشگاه را درستش کنید. دانشگاه را اسلامی کنید. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۹، ص ۲۲۳)

مقام معظم رهبری دامت برکاته در خصوص نقش و جایگاه مهم دانشگاه در تولید علم و نواندیشی می‌فرماید: یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی. مساله تحجر، فقط بالای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست. در همه محیط‌ها تحجر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گرایی که برانسان تحمیل شده - بدون این که منطبق درستی به دنبالش باشد یک بلاست. آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹)

دکتر مهدی گلشنی در خصوص امکان نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی به اهمیت تضارب آراء و آزادی و امکان انتقاد علمی و ضرورت فرهنگ احترام اندیشمندان به همدیگر و پرهیز از شعارهای خالی تاکید و می‌گوید: برای خروج از وضع موجود باید به

اصحاب فکر امکانات بدهیم و از کارهای مصنوعی مانند افراط در مقاله نویسی و... دور شویم از عالمان بطور جدی بخواهیم که کارهایی عرضه کنند که موجب کسب احترام برای جهان اسلام می شود، مگر علامه طباطبایی یا مرحوم مطهری مسئله مقاله نویسی برایشان مطرح بود؟ ما بسیار مقلد هستیم و هویت خودمان را در نظر نمی گیریم... ذهنیت ما باید عوض شود و این کار هم به کمک افرادی انجام خواهد شد که بدانند چه می گویند. من مشکل محیطمان را بیشتر رواج شعار می دانم. آنچه در تولید و توسعه علم موثر است تضارب آراء هر کسی فکر می کند که فکر خودش حرف آخر و نهایی در آن علم است و در نهایت به چیزی نمی رسیم همه پیشرفت های علمی ناشی از انتقادات است... وقتی به دوران تمدن اسلامی نگاه می کنیم می بینیم دیالمه بیشترین کارهای علمی زمانی انجام شد که بیشترین آزادی ها وجود داشته است. مثل دوره سامانیان و دوره در محیطی که سید مرتضی بوده همه افراد برای هم احترام قائل بودند و گروه های مختلف در تشیع جنازه سید مرتضی شرکت کردند. (گلشنی. ۱۳۹۱. ص ۱۱-۱۳)

بحث و نتیجه گیری

نیروی انتظامی و پلیس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سازمان امنیتی - اجتماعی که نقش و کار ویژه های مهمی در تامین امنیت و مراقبت از نظم و آسایش عمومی مردم و مبارزه با عناصر محل آن دارد در فرایند مدیریت دانش و تولید نظریه های علمی مبتنی بر مبانی فکری و جهان بینی اسلامی و ارزش های بومی ایرانی که دارای ریشه های توحیدی است می تواند با استفاده از نخبگان فکری درون سازمانی و همچنین بکارگیری نخبگان فکری برون سازمانی تاثیر به سزایی در این رابطه داشته باشد و این مهم در پرتو خردمندی و عقلانیت در این سازمان میسر و امکان پذیر است.

از مهم ترین نقش های پلیس در تولید علم و طراحی الگوی اسلامی ° ایرانی امنیت به موارد زیر می توان اشاره برد:

۱. مهم ترین وظایف علمی نخبگان امور پلیسی و امنیتی تفکر و اندیشه در چگونگی ارتقاء بهره وری، اثربخشی و کارآمدی سازمان پلیس است به نحوی که مردم و شهروندان احساس امنیت بالایی را در زندگی روز مره خویش داشته باشند؛
۲. اعتماد به نفس متفکران علوم امنیتی و پلیسی و گذر از خود باختگی در برابر نظریه‌ها و ایسم‌های وارداتی؛
۳. تلاش فرماندهان و مدیران سازمان پلیس برای دانش بنیان کردن سازمان و اجزاء آن؛
۴. فرهنگ سازی تفکر و اندیشه در امور مختلف در میان مدیران و نیروهای انسانی؛
۵. فرهنگ سازی پژوهش و تحقیق در درون سازمان؛
۶. تعامل و همکاری با مراکز علمی - پژوهشی داخلی و خارجی در قلمروهای تخصصی؛
۷. شناسایی منابع و میراث فرهنگی و تمدنی اسلامی^۱ ایرانی امنیت و امور پلیسی و انتشار و بهره برداری از آنها؛
۸. شناسایی نخبگان فکری علوم پلیسی و امنیتی و سازماندهی و مدیریت آنان که تعداد معین و محدودی هستند؛
۹. بهره گیری از ظرفیت‌ها و توان علمی حوزه‌های علمیه دینی و فقهاء و متفکران اسلامی؛
۱۰. تشکیل پارک‌های علمی و اندیشکده‌های مختلف متناسب با علوم تخصصی پلیسی؛
۱۱. برگزاری نشست‌ها، میزگردهای نقد و نظر و همایش‌های علمی؛
۱۲. فراهم آوردن زمینه برای تعامل و همکاری‌های علمی منطقه‌ای و بین‌المللی با مراکز علمی و مطالعاتی و دانشگاهی؛
۱۳. تکریم اندیشمندان و مفاخر علوم امنیتی - پلیسی و جرم شناسی کشور؛
۱۴. توجه جدی به سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی غنی و ارزش‌های توحیدی جامعه ایرانی. مانند روحیه اعتماد به همدیگر و تعاون و مودت و دستگیری ضعیفاء. سنن و آداب و رسوم ارزشی چون میهمان نوازی، صله رحم، دستگیری از فقراء و افتادگان. احساس مسئولیت نسبت به اقوام و نزدیکان و همسایگان و هموعان. احترام و مرجعیت ریش سفیدان

و بزرگان قوم و طایفه و فامیل و ساز و کارهای حل تعارض و اختلاف به سبک ریش سفیدی و پادر میانی بزرگان فامیل و اهمیت و توجه به نهاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین نهادهای مذهبی مانند روحانیت و علماء مردمی تشیع و هیئت‌های گرامی داشت و عزاداری حضرت امام حسین سید الشهداء و ائمه معصومین علیهم السلام که از بزرگترین سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی محسوب می‌شوند؛

۱۵. وجود مدیریتی کارآمد برای تحقق آرمان‌های علمی در نیروی انتظامی تا در آینده نزدیکی شاهد ظهور و تجلی جنبش فکری و نهضت علمی در اجزاء سازمان پلیس و نیروهای انسانی آن باشیم.

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر، ۱۳۷۹. انتظام ملی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی ناجا
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰. اقتدار ملی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی °سیاسی ناجا
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۲. وفاق ملی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی °سیاسی ناجا
- آقابخشی، علی و مینو افشاری، ۱۳۷۶. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- اسماعیلی، محسن، ۱۳۷۹. درآمدی بر طرح تدوین فقه انتظامی امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی. فصلنامه دانش انتظامی سال دوم شماره ۳ و ۲
- افتخاری، اصغر، ۱۳۹۱. امنیت. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ع
- افزاه، عباس، ۱۳۸۶. مدیریت دانش. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر
- ترابی، یوسف، ۱۳۸۹. اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ع
- جعفری نژاد، ابوالفضل، ۱۳۸۷. روش‌های تولید علم. مجله پگاه حوزه شماره ۲۳۸ شهریور ماه
- چالمرز، آلن اف، ۱۳۷۸. چیستی علم. ترجمه سعید زبیا کلام تهران: انتشارات سمت

- چلبی، مسعود، ۱۳۸۴. جامعه شناسی. نظم چاپ سوم تهران: نشر نی
- خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۰، ماهنامه تدبیر شماره ۶۴ نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۸. روش شناسی نظریه پردازی. نشریه مدرس علوم انسانی شماره ۶۴ زمستان
- دوی، دی، ای، ۱۳۷۶. پیمایش و تحقیقات در علوم اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییب - تهران: نشر نی
- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۳. واژه نامه فرهنگی سیاسی. کتاب صبح
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۰. تفسیر المیزان ج ۲۶. تهران: انتشارات فراهانی
- عربی، علی اکبر، ۱۳۷۳. فرهنگ تحلیلی واژه های انگلیسی. تهران: انتشارات کازرون
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۳. فقه سیاسی. جلد سوم تهران: انتشارات امیرکبیر
- گانچاک، پیتر، ۱۳۸۸. مدیریت دانش در خدمت پلیس. ترجمه صدیقه نظری و مهدی نوروزی. تهران: سازمان تحقیقات ناجا
- گلشنی، مهدی، ۱۳۹۱، ضمیمه مجله پنجره شماره ۱۴
- مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۷۸. روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مانهایم، یارول و ریچارد ریچ. روش های تحقیق در علوم سیاسی. ترجمه لیلا سازگار مرکز نشر دانشگاهی
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹. مجموعه آثار جلد اول. قم: انتشارات صدرا